ادامه از صفحه ۶

تبعیض دیپلماتیک

درحالی‌که همکارانم از بین آقایان باتجربه سفیر شده بودند، حضور من در اداره آموزش هم تحمل نشد و من به اداره اسناد رفتم.

با سایر افرادی هم که از نیویورک برگشتند این‌گونه رفتار شد؟

تا حدودی ولی نه به‌اندازه من... بعد از سه، چهار سال من امتحان اعزام دادم. در امتحان اعزام من نفر دوم آن سال شدم. چون پست نداشتم نیاز بود امتحان بدهم، ولی همتایان من امتحان ندادند و به آنها جاهای خالی را پیشنهاد می‌دادند. مدتی گذشت جوابی نیامد، پیگیری کردم، گفتند پرونده شما را کنار گذاشته‌اند، چون شما مجردی. در زمانی که من نیویورک بودم، همسرم که معاون دانشگاه صنعتی شریف بودند و آنجا فرصت مطالعاتی گرفته بودند، فوت کردند. من آن زمان یک بیوه بودم که فرزندم را سرپرستی می‌کردم. من اعتراض کردم و گفتم من مجرد نیستم. طبق قانون نباید افراد مجرد در امتحان اعزام ثابت شرکت می‌کردند، اما من داشتم فرزندم را سرپرستی می‌کردم. اعتراض دیگرم این بود که در اینجا قانون باید به نفع زنان تدوین می‌شد. از هر صد نفر آقایان شاغل در وزارت خارجه که مستعد اعزام به خارج از کشور هستند، شاید پنج نفر مجرد بودند. اگر یک آقای مجرد وارد وزارتخانه شود می‌تواند تصمیم بگیرد که سال آینده ازدواج می‌کنم و به مأموریت ثابت می‌روم.

لزوما هم نباید خانمش را همراه خود ببرد؟

چرا باید ببرد. اما در جامعه ایران از نظر اجتماعی اینجا قدرت تصمیم‌گیری با آقاست. آقایان تصمیم می‌گیرند ازدواج کنند یا نکنند و انتخاب‌کننده هم هستند، اما خانم‌ها این‌طور نیستند. نمی‌گویم خانم‌ها نمی‌توانند، اما باید آن آقا آن خانم را به‌عنوان دیپلمات قبول کند. ممکن است ازدواج کنند اما بگویند من با تو مأموریت نمی‌آیم؛ برای مثال اگر آقا شغل آزاد دارد باید شغلش را بگذارد و برود. اگر شغل دولتی دارد باید مرخصی بدون حقوق بگیرد و برود مأموریت و آنجا بی‌کار باشد. پس یک خانم موانعی دارد که این موانع را آقایان ندارد؛ بنابراین نباید این شرایط را با هم یکی کرد. بعد از آن این ماجرا، من مکاتباتم با آقای متکی را شروع کردم و گفتم اولا من مجرد نیستم، دوما من نفر دوم آزمون اعزام هستم، سوما شما باید برای خانم‌ها تبعیض مثبت قائل شوید. چندین نامه نوشتم. برای من مهم بود حتی اگر من نروم، اما تلاش کنم تا راه باز شود و دیگران بتوانند بروند. بعد از نامه‌نگاری‌ها و پیگیری‌های زیاد با خود آقای متکی ملاقات کردم. گفتم شما بیایید یک اثر خوب در پرونده وزارتی‌تان بگذارید. اگر آقای خرازی امتحانات را برای زنان آزاد کردند شما برای خانم‌های مجرد کاری کنید. مثلا پیش‌نیازهایی بگذارید، مانند سنوات یا سن. آقای متکی خیلی استقبال کردند ولی گفتند موانع قانونی و اساسنامه وزارت خارجه اجازه نمی‌دهد. وقتی آقای صالحی جایگزین شدند، بازهم مکاتبات را شروع کردم. به دستور آقای صالحی از نامه‌های من، بخش اداری گزارش مفصلی تهیه کرد و کارگزینی با این گزارش توانست استثناهایی برای خانم‌ها بگذارد. خوشبختانه با تأیید دکتر صالحی تبصره‌ای ایجاد شد که خانم‌ها با سنی خاص و مثلا ۲۰ سال سابقه کار می‌توانستند اعزام شوند. مثلا من به توکیو رفتم و خانم‌های دیگر به جاهای دیگر. آقای ظریف هم همین روند را ادامه دادند.

برای سفیرشدن خانم‌ها چادرپوشیدن الزامی است؟

نه. در اساسنامه گفته نشده، اما کارشناسان سیاسی بر اساس قانون نانوشته‌ای چادر می‌پوشند.

با همه آنچه توضیح دادید، ما هنوز یک سفیر زن بیشتر نداریم. می‌خواهم سؤال اولم را دوباره بپرسم. علت این موضوع را در چه می‌بینید؟

آقای ظریف با تمام حسن‌ظنی که در شنیدن یک ایده دارند و هیچ‌وقت به مرد یا زن‌بودن پیشنهاددهنده نگاه نمی‌کنند و به زنان احترام می‌گذارند، اما باز هم کار پیش نمی‌رود. چون این کار را باید ۴۰ سال پیش می‌کردیم. البته نتایج تلاش‌های امروز را هم ۲۰ سال بعد می‌بینیم. من در آماری از مجموعه وزارت خارجه دیدم که سال ۹۲ تعداد زنان در رده سیاسی ۱۴ نفر است و شنیدم که تا الان کمتر از ۱۰ نفر به این تعداد اضافه شده است. درحالی‌که پرسنل زن در بخش‌های اداری و خدمات ۳۶۰ نفر است. مشکل در استخدام‌های ماست که در قسمت اداری و مالی بیشتر زنان جذب شده و کمی هم کنسولی، اما در رده‌های بالا زنان نیستند. مسئله دیگر این است که وقتی سفیری وارد تهران می‌شود، بعد از پایان مأموریتش به سمت مدیرکلی می‌گمارندش. این نیروهای کارشناسی زیر نظر این فرد که در حقیقت خروجی سازمان هستند، حافظه اداری سازمان هستند. این ورودی بعد از چندسال خروجی سازمان می‌شود و می‌رود، اما خانم‌ها باز باقی می‌مانند. خانم‌ها و آقایان در وزارت خارجه یک الگو می‌خواهند. باید ببینند چند مدیرکل خانم موفق وجود دارد که بروند و زیرمجموعه او شوند و بفهمند با روند عادی از کارشناسی به وزارت می‌رسند. باید ببینند همه مراحل را طی می‌کنند. آنها مدیرکل خانمی نمی‌بینند که فکر کنند می‌تواند این راه را برود. بنابراین کارشناسان خانم فکر نمی‌کنند که می‌توانند معاون وزیر شوند. باید ورود خانم‌ها سیر طبیعی خودش را طی کند. نباید خانم‌ها فکر کنند فقط باید کار کارشناسی بکنند. اگر این روند را ادامه دهیم، شاید ۱۰ سال دیگر از این کادر موجود سفیر خوب دربیاید. این شرایط نیازمند اعمال تبعیض مثبت برای خانم‌هاست. باید سریع‌تر خانم‌ها را در سمت‌های مدیریتی بگمارند و حداقل ریاست یک‌سوم ادارات را به زنان بدهند. خوشبختانه خانم افخم از خود وزارتخانه بود که به سفارت رسید.

politics@sharghdaily.ir

در همایش بازرگان و انقلاب اسلامی مطرح شد

پیدا و پنهان حکم نخست‌وزیری بازرگان

همایش بازرگان و انقلاب اسلامی از سوی انجمن اندیشه و قلم در مسجد الرحمن با سخنرانی ابوالفضل بازرگان، برادرزاده بازرگان و محمد توسلی، دبیر کل نهضت آزادی، عباس سلیمی‌نمین و حاتم قادری، برگزار شد. شانزدهم بهمن، بهانه برگزاری این همایش، روزی است که امام خمینی در حکمی مرحوم مهدی بازرگان را به‌عنوان نخست‌وزیر و رئیس شورای انقلاب منصوب می‌کند. بازرگان و توسلی در این همایش سعی کردند شرایطی را که منجر به استعفای مرحوم مهدی بازرگان شد، تبیین کنند. سلیمی‌نمین اما در سخنانش نقدهای فراوانی را به بازرگان مطرح کرد و معتقد بود مذاکرات بازرگان و امام خمینی در پاریس از سر اعتقادنداشتن دبیر کل اسبق نهضت آزادی به آرای مردمی بود.

روایت استعفای بازرگان

به گزارش ایسنا، ابوالفضل بازرگان در این همایش گفت: در آن شرایط اگر نگوییم بازرگان تنها گزینه بود، می‌توانیم بگوییم بهترین گزینه بود، عده‌ای می‌گفتند انتخاب مهندس بازرگان اشتباه بود، اما رهبری می‌گفتند در آن شرایط درست بوده است.

او با اشاره به مشکلات موجود در زمان دولت بازرگان گفت: ایشان در دانشگاه تهران گفتند اهل تندروی نیستم. ضمنا وظیفه من انتقال قدرت از نظام قبل به جدید، اداره کشور، برگزاری رفراندوم، رفع خرابی‌ها و انتخاب مجلس مؤسسان و تهیه پیش‌نویس قانون است و انقلابی‌گری‌ها را باید رهبر اداره کند، اما تا روز آخر ایراد می‌گرفتند که چرا دولت انقلابی عمل نمی‌کند.

بازرگان گفت: مشکلاتی مانند پدیده ضد انقلاب، ضد دولت، فشارهای طاقت‌فرسا و نابجا و ضعف تبلیغات بعدا در دولت بازرگان ایجاد شد. تقریبا روزنامه و نشریه‌ای نداشتیم که مدافع دولت باشد. شدت و ضعف تخریب دولت فرق می‌کرد. رادیو و تلویزیون هم بلندگوی ضد دولت بود. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی تشکیل شد، حدادعادل از وزارت فرهنگ و ارشاد و من از نخست‌وزیری در آن شورا شرکت می‌کردیم. می‌خواستیم روزنامه‌هایی سریع‌تر منتشر شوند که از دولت حمایت کنند که وقتی آنها هم منتشر شدند باز به دولت انتقاد کردند.

او گفت: علاوه بر رهبری و شوراهای موجود که می‌توانستند به موضوعات ورود پیدا کنند؛ نهاد امام جمعه و نهادهای دیگر در امور کشوری دخالت می‌کردند. ایشان اطلاعیه‌هایی دادند که همه را به وحدت در عمل و اجرای قانون دعوت می‌کردند. پیامی درباره حادثه پاوه منتشر می‌کنند و توضیح می‌دهند دولت کوتاهی نکرده است. یک پیام تلویزیونی قبل از استعفا دادند و شرح دادند که تقصیرهایی که به گردن دولت می‌اندازند درست است یا خیر و چه نهادهای دیگری هستند که نمی‌گذارد کار پیش برود.

بازرگان سپس گفت: مشکلات درونی هیئت دولت هم وجود داشت. اختلافات درون دولت وجود داشت، اما خیلی نبود. اولین مشکل در استعفای سنجابی، وزیر امور خارجه، به‌علت دخالت برخی نهادها و تخلفات اداری بود. در شکل اقتصاد هم مشکل وجود داشت، برخی شخصیت‌ها به‌دنبال ملی‌شدن اقتصاد بودند و برخلاف میل بازرگان به‌خاطر شورای انقلاب این موضوع را امضا کردند.

همچنان که خودشان در شورای انقلاب باقی ماندند و به انقلاب تا آخر عمر کمک کردند. بازرگان گفت: حجم مراجعات به نخست‌وزیری خیلی بالا بود، به همین علت نهادی به نام مراجعه‌کنندگان تشکیل شد و ساعت‌ها مجبور بودیم با عده‌ای صحبت کنیم و در هر ملاقاتی که با رهبر انقلاب انجام می‌شد، دولت مشکلاتش را می‌گفت. در مقطعی که دولت و شورای انقلاب اختلاف داشتند، قرار شد این دو در هم ادغام شوند. اینکه گفته می‌شود تسخیر سفارت آمریکا باعث استعفای مرحوم بازرگان شد، درست نیست. از اردیبهشت‌ماه نامه‌نگاری‌ها شروع شد. حامل این متن من بودم.

او افزود: امام چند نفر از روحانیون شورای انقلاب مثل شهید بهشتی و مرحوم رفسنجانی و موسوی اردبیلی را خواستند تا ایشان را منصرف کنند. در راه از رادیو و تلویزیون اعلام شد که بازرگان استعفا داده و استعفای او پذیرفته شده است. دیگر کار از کار گذشته بود. بازرگان در پایان گفت: دولت بعد از ایشان خواستند با نیروهای او همکاری کنند، ایشان هم گفتند بیعتی در کار نیست هرکس می‌خواهد همکاری کند. همچنان که خودشان در شورای انقلاب باقی ماندند و به انقلاب تا آخر عمر کمک کردند.

چالش‌های بازرگان

محمد توسلی با بیان اینکه دولت بازرگان را با چالش‌هایش باید در نظر گرفت، گفت: نخستین چالشی که باید به آن اشاره کرد دیداری است که بازرگان در پاریس با رهبر انقلاب داشت. رسم بود که همه به‌نوعی با امام در پاریس بیعت می‌کردند، بازرگان ساعت‌ها مذاکره کرد و قرار بود ایشان هم نامه‌ای مانند بیعت بنویسند، اما به ایران آمد و در حزب مشورت کرد و بیانیه‌ای حزبی داد که چون در یک سال اخیر مردم رهبری امام خمینی را پذیرفته‌اند، بحث حاکمیت رأی ملت است.

به گزارش ایلنا، دبیر کل نهضت آزادی افزود: چالش بعدی رفراندوم انقلاب اسلامی است. مردم قرار شد برای رأی به جمهوری اسلامی که در پاریس و در بانگ رسانه‌های جهانی گفته بودند و با تأکید بر اینکه در جمهوری اسلامی همه حق اظهارنظر دارند، پای صندوق رأی حاضر شوند.

توسلی با اشاره به تدوین قانون اساسی گفت: امام خمینی گفتند با اصلاحات لازم، قانون اساسی را که تهیه شده به رفراندوم بگذارید، بازرگان معتقد بود باید مجلس مؤسسان تشکیل شود، در نهایت هم مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل شد. روحانیون سنتی در این مجلس از پیشنهاد مرحوم آیت حمایت همه‌جانبه کردند. برخی از اعضای دولت نامه اعتراضی نوشتند و در این زمینه با برخی از وزرای دولت موقت برخورد شد.

او با اشاره به دومین چالش گفت: امام خمینی در دو سند مراتب اعتماد خود به دیانت و سلامت مهندس بازرگان را اعلام کرد. با یک لحن بسیار مثبت تمام سوابق علمی و مبارزاتی ایشان را تأیید کردند. من شش ماه در نجف با امام خمینی بودم و با روحیات ایشان آشنا هستم.

دبیرکل نهضت آزادی با اشاره به نامه‌نگاری‌ها در سال‌های ۶۶ تا ۶۸ گفت: چالش بعدی نامه‌ای است که سال ۶۶ نوشته شد و در سال ۶۸ منتشر شد.

دبیرکل نهضت آزادی افزود: چالش بعدی اختلافاتی است که بین احزاب به وجود آمد. بازرگان با یک جمع خبره کار پژوهشی انجام داد که اصل ولایت مطلقه فقیه را به استناد قرآن و سنت و عترت با توجه به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن بررسی کردند. این نشریه در اواخر سال ۶۶ تهیه شد. با نامه و امضای بازرگان برای تمام مراجع قم و مسئولان فرستاده شد و گفته شد این کار پژوهشی است که هرجای آن اشتباه بود به ما متذکر شوید.

او تأکید کرد: چالش‌های بازرگان بعد از خرداد ۶۰ هم مورد توجه است. در مجلس جریانی مرگ بر بازرگان می‌گفت، اما با وجود تمام هزینه‌ها و بازداشت‌ها ایستادند و به رسالت خود ادامه دادند.

مردم فهمیدند با اندیشه نهضت آزادی نمی‌شود تغییر ایجاد کرد

عباس سلیمی‌نمین اما در پاسخ به توسلی، با بیان اینکه مهدی بازرگان در پاریس اعلام موضع نکرد و در ایران وقتی اعلام موضع کرد گفت به این دلیل که مردم رهبری امام (ره) را پذیرفتند، ما این رهبری را پذیرفتیم، گفت: بازرگان بحث مفصلی با امام در پاریس داشت و به قدرت مردم هیچ اعتقادی نداشت. به امام می‌گفت شما نمی‌توانید بساط استبداد را جمع کنید ولو اینکه بتوانید، با سلطه بیگانه نمی‌توانید مبارزه کنید.

این پژوهشگر تاریخ معاصر ادامه داد: بازرگان چطور می‌تواند یک‌روزه نگاهش را عوض کند؟ صداقت سیاسی دکتر سنجابی را در این زمینه بیشتر از بازرگان می‌دانم. ایشان در بیانیه سه‌ماده‌ای نفی استبداد و سلطه غرب می‌کند. در ایران نهضت آزادی اعلام می‌کند ما هم نفی سلطه غرب را اعلام می‌کنیم، اما خوب است عملکردهای پیدا و پنهان برخی دوستان نهضت آزادی را مورد مطالعه قرار دهیم و ببینیم آیا بر رأی مردم استوار ماندند یا خیر. اگر اعتقاد به مردم داشتند چرا باید رهبری امام را می‌پذیرفتند؟ مردم راهبردی را مطرح کرده بودند که باید سلطه و استبداد بساطش جمع می‌شد و این نگاه مورد پذیرش مردم بود، اما نگاه جبهه ملی و گروه‌هایی که برای تغییر، راهبردی داشتند مشابه این نگاه نبود.

به گزارش ایلنا، سلیمی‌نمین در ادامه به پیوند دولت بختیار با نهضت آزادی پرداخت و گفت: آنها می‌خواستند انتقال قدرت به‌نوعی شکل بگیرد که نه استقلال بشکند، نه سلطه. حتی در مراحل نهایی که انقلاب رو به پیروزی است. آنها فکر نمی‌کردند استبداد در حال شکست باشد و فکر می‌کردند شریف امامی تلاش می‌کند انقلاب را قانع کند که به او راضی شوند.

او در ادامه با بیان اینکه برنامه این بود که استعفایی برای بختیار نوشته شود و او به‌عنوان نخست‌وزیر شاه به پاریس برود، ادامه داد: برنامه آنها این بود که اگر امام با او ملاقات کرد، اما نخست‌وزیری او را نپذیرفت، آنها استعفا را منتشر کنند. امام وقتی متوجه موضوع شد، قبل از حرکت بختیار گفت من استبداد را مشروع نمی‌دانم و با هیچ مقام وابسته به استبداد ملاقات نمی‌کنم و قبل از ملاقات باید استعفا دهد. سلیمی‌نمین افزود: همه این طراحی‌ها و پشت‌صحنه‌ها کاملا با آنچه که آقای توسلی گفت بازرگان به نقش و رأی مردم احترام می‌گذاشت، مغایرت دارد. آنها برای انحراف مردم از مواضعی که پیگیر بودند، تلاش می‌کردند. طرح نهضت آزادی به کجا می‌کشید؟ ارتش و ساواک دست نمی‌خورد، ساختار استبداد باقی می‌ماند و اهرم‌های آمریکا در کشور می‌ماند و خطر متوجه ملت بود. مشابه همین نگاه در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت منجر به ضربه‌خوردن مردم شد. مردم فهمیدند با اندیشه نهضت آزادی نمی‌شود تغییر ایجاد کرد، به این دلیل جایگاه نهضت آزادی به‌لحاظ رهبری دستخوش تغییر شد. اگر این‌طور نبود، رهبری امام را نمی‌پذیرفتند.

این پژوهشگر تاریخ معاصر با بیان اینکه امام(ره) بازرگان را انتخاب نکرد، گفت: شورای انقلاب نقش قوه مقننه را داشت. شورای انقلاب، بازرگان را پیشنهاد داد و امام پذیرفت. هرگز چالش اینکه در یک‌جا بازرگان را انتخاب کردند در یک‌جا رد کردند حقیقت ندارد. امام صرفا رأی یک ساختار را تأیید کرده بود. امام می‌داند بازرگان اعتقادی به اجماع مردم ندارد، اما شورای انقلاب انتخاب کرده و امام هم حکم داده است.

او درباره بخش‌هایی از صحبت‌های محمد توسلی که گفته بود قانون اساسی را برای امام بردند، ایشان تأیید کرده بود، ولی به اصرار بازرگان مجلس مؤسسان تشکیل شد، گفت: امام از شورای انقلاب خواستند اکثریت قانون اساسی را برای رفتن به مجلس خبرگان قانون اساسی تأیید کنند. ایشان هرگز تأییدی نکرد که بعدا نقض شود. از طرفی مجلس خبرگان به‌نوعی طراحی نشده بود که قشر خاصی در آن اکثریت باشند.

سلیمی‌نمین همچنین در واکنش به اینکه حسن آیت در مجلس مؤسسان طرح ولایت فقیه را به کرسی نشاند، گفت: این بازی رسانه‌ای است که بحث ولایت فقیه را به آقای آیت نسبت دهیم و اصل آن را زیر سؤال ببریم. امام چارچوب‌های نظام فکری خود را در ارتباط با حکومت اسلامی در عراق ارائه داده و کتاب نوشته و آن را تبیین کرده است. امام پنهان‌کاری ندارد و ما برای اینکه این قضیه را سخیف کنیم می‌گوییم آیت که متأثر از جریانی مشکوک بوده این اصل را مطرح کرده است. این یک کار ژورنالیستی و کم‌لطفی به تاریخ است.

بازرگان به نقشه راه باورداشت

حاتم قادری هم در این نشست سخنرانی خود را بیشتر به کتاب «راه طی‌شده» بازرگان معطوف و تأکید کرد که این کتاب از جمله آثار خوانده‌شده در سال‌های نزدیک به انقلاب است، بااین‌حال، این اثر شوربختانه، در خدمت رادیکالیسم سیاسی و ایدئولوژیک قرار گرفت. این در حالی است که بازرگان از جمله متفکران آری‌گو به غرب است. آری‌گو به این معنا که غرب را اساسا گمراه‌کننده نمی‌داند و بر دستاوردهای آن مهر تأیید می‌زند. به زعم او، بازرگان از آن جمله روشنفکران دینی‌ای بود که به یافتن یا حداقل‌ساختن نقشه راه باور داشت؛ نقشه‌ای که بگوید اقتصاد، سیاست، جامعه، فرهنگ و مناسبات اسلامی چیست، اما در نهایت و در اواخر عمر به این باور می‌رسد که نقشه راهی وجود ندارد و ما صدهاسال است دنبال چیزی می‌گردیم که موجودیتی ندارد.

ابوالفضل بازرگان:
رادیو و تلویزیون هم بلندگوی ضد دولت موقت بود. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی تشکیل شد، حدادعادل از وزارت فرهنگ و ارشاد و من از نخست‌وزیری در آن شورا شرکت می‌کردیم. می‌خواستیم روزنامه‌هایی سریع‌تر منتشر شوند که از دولت موقت حمایت کنند که وقتی آنها هم منتشر شدند باز به دولت انتقاد کردند

روزنه

اعلام آمادگی دستگاه قضا برای مبارزه با عوامل اصلی فساد

● **میزان:** دادستان تهران، روز شنبه در جلسه شورای معاونان دادسرای تهران، اقدامات رسانه‌ها به‌ویژه در عرصه فضای مجازی و اظهارات برخی افراد را زمینه‌ساز بی‌اعتمادی مردم به نظام جمهوری اسلامی دانست و گفت: «برخی مدعی‌اند مبارزه قوه قضائیه با فساد سیاسی است؛ بدون اینکه پاسخ دهند آیا این تعداد متهمانی که در این راستا تحت تعقیب قضائی قرار گرفته یا محکوم شده‌اند، از یک جناح سیاسی بوده‌اند یا از جناح‌ها و طیف‌های مختلف هستند. این افراد با هدف ایجاد شبهه درباره یک موضوع، به صورت هم‌زمان و از طریق رسانه‌های داخلی و خارجی و در ابعاد گسترده مطالبی را منتشر می‌کنند و با بمباران خبری، اعتماد مردم را به عملکرد مسئولان مخدوش می‌کنند». عباس جعفری‌دولت‌آبادی افزود: «در موضوع حجاب، رسانه‌های خارجی تهاجمی خبری را علیه جمهوری اسلامی آغاز کرده‌اند؛ درحالی‌که اقدام اخیر از سوی چند نفر صورت گرفته، اما در مقابل آن میلیون‌ها زن باحجاب در کشور حضور دارند». جعفری‌دولت‌آبادی با انتقاد از رویکرد صداوسیما که در برخی موارد به‌جای تلاش برای اقناع‌سازی، در جهت عکس حرکت می‌کند، نحوه انتشار اظهارات رئیس قوه قضائیه را در زمینه برخورد با قضات متخلف مورد اشاره قرار داد و گفت: «رسانه ملی سخنان نخست ایشان دایر بر انتشار اسامی و تصویر قضات را در یک روز به صورت مکرر و در تمامی بخش‌های خبری پخش کرد، اما اظهارات مجدد ایشان در جلسه شورای مسئولان عالی قضائی در هفته گذشته را که از قضات شایسته و سالم تشکر و به شدت دفاع شد، صرفا چندبار خبری کرد. ضمن اینکه سایر رسانه‌ها و ازجمله مطبوعات نیز رویکرد مشابهی را در پیش گرفتند». او افزود: «برخلاف این وظیفه، در برخی موارد اقدامات مثبت قوه قضائیه در راستای منفی منعکس می‌شود و به‌عنوان مثال با صدور یک رأی برائت، هجمه‌ها به سوی قاضی صادرکننده رأی و دستگاه قضائی شروع می‌شود؛ ضمن اینکه در صدور حکم محکومیت نیز مدعی سیاسی‌بودن آن می‌شوند و به‌این‌ترتیب تصمیم قضائی قاضی را از هر نوع که باشد، مورد هجمه‌های تخریبی قرار می‌دهند که نتیجه آن تشویش اذهان مردم و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به قضات و دستگاه قضائی است».